

آقای شکوری راد! اخیراً از **سوی تریون‌های مختلف جناح راست اظهارنظرهایی مطرح شده که بعضاً به تمایل به تجدیدنظر در برخی رویه‌های قهرآمیز گذشته تعبیر شده است.** نظر تان در این مورد چیست؟

عملکردی که ظرف یکی-دوماه گذشته از جناح مقابل مشاهده شده که به‌وضوح حکایت از سیاست «هویج و چماق» دارد؛ آنها علاوه بر این که سعی دارند سیاست جدیدی را اعمال کنند، ولی تأکید چندباره‌ای از امکان برگشت به سیاست برخورد شدید هم دارند. یعنی همان سیاست «هشت آهنین» که در یک سال گذشته عمل شده است. چون آنها از ابتدا فکر می‌کردند که نشان دادن مشت آهنین می‌تواند فعالین سیاسی را وادار به انعطاف کند تا وضعیت تثبیت شده و امنی برای موضع قدرت آنها تأمین شود، اما در عمل این طور نشد. البته من فکر می‌کنم در تحولات جدید، تدبیرهای مقام معظم رهبری هم نقش داشته است و نموده‌ای آن را می‌توانیم در بعضی از دستگاه‌ها از جمله

ممکن است آنها هم داخل نظام به حساب آیند و به جای تماشاگر بودن و حاشیه‌نشینی به متن مسائل و تحولات سیاسی فراخوانده شوند. این که چه مقدار چنین اظهارنظرهایی عمق دارد، الان برای قضاوت در مورد آن زود است. اما شاید بخشی از آن مربوط به این باشد که در اصلاحات و دستگیری‌هایی که سال گذشته انجام گرفت، نتیجه مثبتی نصیب طرفداران این گونه برخوردها نشد و به هر حال چنین اتفاقاتی احتمالاً برخی دست‌اندرکاران جناح مقابل را هم به‌انجام محاسبات هزینه-منفعت واداشته باشد.

سال گذشته در چنین روزهایی، مثلاً همین روزنامه رسالت استدلال می‌کرد خطر «براندازی آرام» ملی-مذهبی‌ها، از خطر اپوزیسیون رادیکال مسلح (مانند گروه رجوی) هم بیشتر است. فکر نمی‌کنید وقتی همان نیروها امروز ادعای «استقبال از فعالیت سیاسی در چارچوب قانون» را برای امثال ملی-مذهبی‌ها دارند، یعنی اینکه ممکن است به محض برطرف شدن الزامات خارجی، به همان فاز گذشته

گفت‌وگو با علی شکوری راد

جناح راست تغییرمشی

برگردند؟

بله، روزنامه‌هایی چون رسالت که بحث آن شد، همین الان هم می‌گویند که وضعیت فعلی بازگشت‌پذیر است و اگر شرایط آنها توسط اصلاحات طلبان پذیرفته نشود، بر می‌گردند به فاز مشت آهنین. اما به هر حال، چیزی که در تجارب یکی دو سال گذشته از جناح مقابل دیدیم این بوده که آنها نتوانسته‌اند با انواع و اقسام روش‌ها اصلاح طلبان را از پی‌گیری اصلاحات باز دارند. اگر چه قدری ضعف و سرخوردگی و تششت و رادیکالیسم ایجاد شده، ولی متن حرکت همچنان اصلاح طلب باقی مانده و نه تنها در خواسته‌ها، بلکه در روش‌ها نیز همچنان به اصلاحات ملنزم است. شرایط لازم برخورد و همه جانبه با جریان اصلاحات هم، برای جناح مقابل ایجاد نشده است. این برای اصلاحات توفیق مهمی بوده است. من بارها تأکید کرده‌ام که «ماندگاری اصلاحات یعنی پیروزی آن». یعنی شما معتقدید این نقد به اصلاح طلبان وارد نیست که آنها نیز

به نوعی استفاده از فضای می‌کنند که خودشان به وجود آورنده آن نبوده‌اند؟ به عبارت دیگر، اگر اوضاع به همان صورت گذشته پیش می‌رفت، اصلاح طلبان چه طرح مشخصی داشتند که باعث زنده ماندن امید مردم به اصلاحاتی شود، که مردم می‌دیدند نموده‌ای آن قلع و قمع می‌شوند؟

تأکید می‌کنم که من معتقد نیستم تمام اصلاح روشی که به طور نسبی در رفتار جناح مقابل می‌بینم، معطوف به تهدید خارجی و عوامل خارج از عملکرد اصلاح طلبان باشد.

به هر حال، همین پایداری اصلاح طلبان بر مشی خود بود که کمک کرد جناح مقابل در این مقطع خاص تغییر روش بدهد. یعنی همین مقدار که اصلاح طلبان بر مشی خود باقی ماندند و همان تعدادی که بعد از ریزش برخی نیروها باقی ماندند، موجب خستگی جناح مقابل از روش‌هایی شدند که خود آنها هم در درون خودشان با چالش‌هایی در مورد اتخاذ آن روش‌ها مواجه بودند. این طور نیست که ما جناح مقابل را یک دست بدنییم

مصاحبه از: مریم عبدی

و فکر کنیم که تمام آنها موافق این رفتارها هستند. ما در مجلس کاملاً شاهد این هستیم که به تدریج نیروهای فراکسیون اقلیت هم به همکاری با جناح اکثریت تمایل می‌یابند. من فکر می‌کنم در مجموع، تجربیات گذشته باعث شده ما بتوانیم در میان جناح مقابل هم تغییرات مثبتی ایجاد کنیم. البته بعضی از این تغییرات رسمی و علنی (و حتی به صورت ریزش نیرو) است و بعضی دیگر در قالب به موضع انفعال رفتن آنها در مواجهه با اصلاحات نمود دارد.

اگر مجموعه تحولات به سمتی پیش رود که جناح مقابل در این موضع قرار گیرد که برخوردهای قهرآمیز را با اصلاح طلبان ادامه دهد و یا تشدید کند، آیا در میان اصلاح طلبان آمادگی برای مقابله با این وضعیت وجود دارد، یا اینکه احساس می‌کنیم که روزهای سخت را پشت سر گذاشتیم و دیگر نیازی به این جور آمادگی‌ها نیست؟
من فکر می‌کنم که جناح مقابل دیگر پتانسیل اقدام به چنین کارهایی



را ندارد. چون آنها در گذشته از چنین اقداماتی نتایجی نگرفته‌اند که بخواهند این کار امروز را دوباره انجام بدهند. ولی اگر این کار بشود، یقیناً ما باز می‌گردیم به شرایطی که برخی از اصلاح طلبان بحث خروج از حاکمیت را بررسی می‌کردند که خود این مسأله جناح مقابل را به وحشت می‌انداخت. چون ساختار نظام به گونه‌ای نیست که بتواند روشهای قهرآمیز را به عنوان یک روش پایدار بپذیرد. یعنی اگر جناح محافظه کار هم در گذشته این روش‌ها را انجام داده‌اند، با هزینه بسیار زیاد انجام داده‌اند و دیگر الان توان پرداخت چنین هزینه‌هایی را ندارند. به خصوص در طی این مدت ثابت شد که اصلاحات مقاومتی از آن است که محافظه کاران فکر می‌کردند.

آخرین سؤال اگر عده‌ای از جناح مقابل معتقد باشند «فضایی که من در آن نتوانم کار کنم، بهتر که هیچکس در آن فعالیت نکند» و حاضر باشند اقداماتی انجام بدهند که با فلج کردن کل مملکت نوعی سیاست «زمین سوخته» را در مقابل اصلاح طلبان قرار دهند، آیا فکر می‌کنید



طرح بحث خروج از حاکمیت برای مقابله با کسانی که حاضرند تا اینجاها پیش بروند تعیین کننده باشد؟

به هر حال، همیشه این امکان وجود دارد که کسانی به این صرافت بیفتند که کار را یکسره کنند. در گذشته هم این تهدیدات را ما لمس می‌کردیم که ممکن است کسانی بخواهند به نوعی اگر اسم آن را «کودتا» بگذاریم-کارهایی در این حد را انجام بدهند. اما اگر چنین حرکتی صورت بگیرد، عمر نیروهایی که در شرایط جدید موقعیت را به دست می‌گیرند، طولانی نخواهد بود. چون ملت ما پذیرای چنین وضعیتی نیست و شرایط بین‌المللی هم چنین اقتضایی را ندارد. چنین اقدامی اگر چه ممکن است در کوتاه مدت نتایجی را در بر داشته باشد، ولی در درازمدت پایا نیست. در آن صورت، روند تحولات بسیار سریع خواهد شد که نتیجه آن برای مخالفان اصلاحات به راحتی قابل پیش‌بینی نخواهد بود.